

بررسی وضعیت حقوق بشر در زمان مخاصات مسلحانه؛ یک ارزیابی نظری

علی اردستانی*

الهه کامجو**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۱/۳۰ - تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۰۳/۱۴

DOI: 10.22096/HR.2018.31582

چکیده

به واسطه وقوع مخاصمات مسلحانه فراوان بین انسان‌ها، تمدن‌ها، مذاهب و دولت‌ها، ایده صلح و تضمین حقوق انسان‌ها همواره یکی از آرمان‌های اصلی بشریت بوده است. بر همین اساس، جامعه بین‌الملل به ویژه در سده‌های جدید کوشیده است به انحاء مختلف در جهت کاهش تلفات جانی و مالی ناشی از این مخاصمات گام بردارد. از جمله مهم‌ترین این تلاش‌ها وضع قوانین و مقرراتی تحت عنوان حقوق بشر دوستانه بوده است؛ به گونه‌ای که دولت‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه ملزم به رعایت و احترام به این قوانین باشند. کاملاً روشن است که مخاصمات مسلحانه هیچ اثری بر حقوق بشر دوستانه ندارند، اما سؤالی که مطرح می‌شود، این است که مخاصمات مسلحانه چه تأثیری بر قواعد حقوق بشر دارند و آیا به محض وقوع یک مخاصمه مسلحانه، اجرای حقوق بشر، متوقف می‌شود و فقط حقوق بشردوستانه اعمال می‌گردد؟ این مقاله می‌کوشد تا ضمن ارائه تحلیلی نظری از نسبت میان حقوق بشر و مخاصمات مسلحانه، نشان دهد که به هنگام مخاصمات مسلحانه، قواعد حقوق بشر مکمل قواعد حقوق بشردوستانه است و صرف وقوع یک مخاصمه مسلحانه به معنی تعطیلی حقوق بشر نیست.

واژگان کلیدی: حقوق بشر؛ ضرورت؛ حقوق بشردوستانه؛ مخاصمات مسلحانه؛ تعلیق.

Email: aliardestani@semnan.ac.ir

* استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه سمنان «نویسنده مسئول»

Email: e_kamjo@yahoo.com

** کارشناس ارشد حقوق عمومی، دانشگاه سمنان



مقدمه

انسان‌ها گذشته از تفاوت‌ها و سلیقه‌ها و تمایلات گوناگونشان، برای رفع نیازهای مشترک و رهایی از آسیب‌ها و بلایا و نیز برای رسیدن به وحدت معنوی در ابعاد مختلف گردهم آمده و اجتماعاتی تشکیل داده‌اند. زیست مشترک با صلح و امنیت و آرامش، هدف غایی این اجتماعات است. از این رو، ناگزیر بر هر اجتماعی باید مقررات و هنجارهایی حاکم شود که حافظ ارزش‌ها و منافع عمومی باشد.^۱

اما انسان برخلاف اشیای بی‌جان و موجودات بی‌اراده، تابع محض و بی‌چون و چرای قوانین نیست. تمایل درونی انسان به آزادی و رهایی از قید و بندها و برخورداری از حقوق کامل‌تر و مواهب بیشتر زندگی است؛ چیزی که در اصل با محدودیت‌ها و الزاماتی که از سوی دولت‌ها تحمیل و وضع می‌شود، سازگاری ندارد.^۲ وجود این امر به تدریج مفهوم حاکمیت را مطرح ساخت تا دولت‌ها بتوانند بین اقتدار و آزادی پل بزنند.

در واقع، حاکمیت در ابتدا مطلق فرض می‌شد و هر دولت نسبت به اتباع خود صلاحیت انحصاری داشت و خود نسبت به حقوق و تکالیف اتباع خویش تصمیم می‌گرفت. اما در پرتو وابستگی‌های مادی و معنوی و منافع متقابل بشری و احساس مشترک در قبال مشکلات و معضلاتی که حیات نوع بشر را به مخاطره افکند و در قرن حاضر به خصوص پس از پایان دومین جنگ جهانی، این اصل با تردیدهایی روبه‌رو شد و اقدامات متعددی در قالب مقررات بین‌المللی به عمل آمد تا اتباع و اقشار مختلف همه دولت‌ها تحت حمایت قرار گرفته و از اعمال خودسرانه نسبت به آنان جلوگیری شود.^۳

با این حال، باید توجه داشت که مقررات حقوق بشر در شرایط عادی زمان صلح و در چارچوب رابطه حقوقی بین دولت و شهروندان اعمال می‌شود.^۴ اما همان طور که می‌دانیم، بشر به ندرت در صلح به سر برده است. وجود درگیری‌های مسلحانه متعدد در تاریخ، بعضی از دانشمندان را به این نتیجه سوق داده که جنگ و منازعه تقریباً یک وضع عادی و طبیعی در

۱. نک: عباسی اشلقی، ۱۳۸۳: ۹۰.

۲. نک: شریعتی، ۱۳۸۴: ۱۰.

۳. نک: رنجریان، ۱۳۷۳: ۱۴۲.

۴. نک: فلک، ۱۳۹۱: ۳۰.

صحنه بین‌الملل بوده است؛ زیرا جامعه بشری از ۳۴۰۰ سال تاریخ مدون خود فقط ۲۵۰ سال را در صلح به سر برده و قسمت اعظم عمر خود را مستقیم یا غیر مستقیم با جنگ سپری کرده است.^۱ بنابراین، جنگ به عنوان ابزار سیاست ملی، مجموعه عملیات و اقدامات قهرآمیز مسلحانه‌ای است که در چارچوب مناسبات کشورها روی می‌دهد و موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آن‌ها با یکدیگر و همچنین با کشورهای ثالث می‌شود.^۲ این قواعد که حقوق مخاصمات مسلحانه نامیده می‌شود، مشتمل بر مجموعه قواعد مرتبط با قانونمند ساختن و محدود کردن اعمال ارتكابی در زمان وقوع مخاصمات مسلحانه از طریق تعیین حقوق و تکالیفی برای طرفین مخاصمه و دولت‌های ثالثی که شرکت در جنگ ندارند، است. واژه حقوق بشردوستانه بین‌المللی امروزه بعنوان مترادف با حقوق مخاصمات مسلحانه به کار برده می‌شود.^۳

مخاصمات مسلحانه هیچ اثری بر حقوق بشردوستانه، از جمله کنوانسیون‌های ژنو، لاهه و پروتکل و معاهداتی که استفاده از سلاح‌های خاص را محدود یا ممنوع می‌کنند، ندارند.^۴ اما اینکه معاهدات حقوق بشری در زمان مخاصمات مسلحانه اجرا می‌شوند یا فقط مختص به زمان صلح‌اند و جایگاه و وضعیت حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه چگونه است، بحث پر دامنه‌ای است که هنوز جریان دارد. برخی معتقدند، حقوق بشر به منظور حمایت از حقوق انسان‌ها در زمان صلح تدوین یافته است و حقوق بشردوستانه جهت نظام‌مند کردن روابط دولت‌ها با یکدیگر و نیز روابط طرفین مخاصمه با نظامیان و غیرنظامیان طرف دیگر در زمان درگیری‌های مسلحانه طراحی شده‌اند. در این مقاله در ابتدا تلاش می‌شود تا تأملی نظری بر نسبت حقوق بشر و مخاصمات مسلحانه صورت گیرد، سپس در پیوند با همین بحث به طور مشخص به انواع مخاصمات مسلحانه پرداخته خواهد شد و در نهایت، به بررسی وضعیت حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه خواهیم پرداخت. فرضیه ما این است که در زمان مخاصمات مسلحانه، اعمال و اجرای مقررات حقوق بشر، متوقف نگردیده و این حقوق مکمل حقوق بشردوستانه اعمال می‌شود.

۱. نک: میرعباسی، ۱۳۸۵: ۲۵.

۲. نک: ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۴۵.

۳. نک: لسانی، ۱۳۹۴: ۳۳.

4. See: Mc Nair, 1961: 70.

۱- تأملی نظری بر حقوق بشر و مخاصمات مسلحانه

چنان که اشاره شد، حقوق بشر به انسان‌ها تعلق دارد و نظام بین‌المللی حقوق بشر از حق انسان‌ها در هر شرایطی در برابر دولت‌ها حمایت می‌کند.

به طور تحت‌اللفظی، حقوق بشر عبارت از حقوقی است که شخص از این حیث که انسان است، از آن برخوردار می‌باشد. بدین ترتیب، به دلیل اینکه همه ما به یک اندازه انسان هستیم، حقوق بشر نیز حقوقی برابر است.^۱

دکتر جاستیس دورگا (Justic Durga) حقوق بشر را آن دسته از حقوق حداقلی می‌داند که هر فرد باید در مقابل دولت یا هر اقتدار عمومی دیگر، به موجب عضوی از خانواده بشر و صرف‌نظر از هر گونه ملاحظه‌ای، برخوردار باشد.^۲

ونار حقوق بشر را از دو جنبه سنتی و عملی تعریف می‌کند: «در مفهوم سنتی، حقوق بشر به مثابه حقوقی است که همه انسان‌ها در برابر یکدیگر در همه زمان‌ها و همه مکان‌ها و تحت هر شرایطی و صرفاً به خاطر انسان بودن برخوردارند. اما در مفهوم عملی، حقوق بشر به طور خاص روشی است که در آن مقامات دولتی ملزم به رعایت بایدها و نبایدهایی نسبت به شهروندان هستند. در این تعریف است که نادیده گرفتن حقوق بشر در برخی موارد مجاز و در برخی موارد مداخله جامعه بین‌المللی را ایجاب می‌کند.» (Wenar, 2005: 285)

جدای از تعاریفی که از حقوق بشر می‌شود، آنچه مهم است این است که حقوق بشر از شخص انسان ناشی می‌شود. دولت‌ها حقوق بشر را ایجاد نمی‌کنند، بلکه فقط وجود آن را تأیید می‌کنند. بنابراین، حقوق بشر مستقل از اراده دولت‌ها وجود دارد.^۳

امروزه مفهوم حقوق بشر به مثابه یک مفهوم جهانی شناخته شده است که این امر را در اعلامیه تصویب شده توسط کنفرانس جهانی وین درباره حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ و قطعنامه‌های تصویب شده توسط سازمان ملل به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۹۸ می‌توان دید.^۴

1. See: Donnelly, 1999: 612.

2. www.mu.ac.in,nodata:2

۳. نک: رستم زاد، ۱۳۸۴: ۱۱.

4. See: Benedek, 2012: 39.

جنبش بین‌المللی حقوق بشر، هنگامی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرد، تقویت شد. این اعلامیه برای نخستین بار در تاریخ بشریت، حقوق بنیادی مدنی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را که تمامی انسان‌ها باید از آن برخوردار باشند، شرح داد و تعیین کرد. اعلامیه جهانی حقوق بشر همراه با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دو پروتکل الحاقی آن و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به اصطلاح قانون بین‌المللی بشر را تشکیل می‌دهند.^۱ علاوه بر این، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای دیگری در زمینه قواعد حقوق بشر به تصویب رسیده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها ۱۹۸۱، منشور عرب درباره حقوق بشر ۱۹۹۴، اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر ۱۹۴۸، کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی ۱۹۴۸، کنوانسیون بین‌المللی محو هر نوع تبعیض نژادی ۱۹۶۵ و کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا ترذیلی ۱۹۸۴ و ... هر یک از این اسناد دارای نقش و جایگاه ویژه‌ای در ترویج، توسعه و ارتقای حقوق بشر هستند.

با این حال، به‌رغم اهمیت حقوق بشر و تأکید بر آن در اسناد مختلف بین‌المللی، عوامل متعددی سد راه اجرای حقوق بشر هستند که تا جایی که به کار ما مربوط می‌شود جنگ یا مخاصمات مسلحانه از جمله مهم‌ترین این عوامل است. جنگ واقعه بس دهشت‌زا و همراه با بدبختی و محرومیت، ظلم و تجاوز و سختی‌هایی است که همیشه از طرف جنگ‌افروزان زورمدار بر مظلومان و ملل ضعیف‌تر تحمیل می‌گردد.^۲

به‌رغم تلاش‌های انجام شده در سطح بین‌المللی به منظور کاهش و ممنوعیت توسل به زور، همچنان شاهد مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی در گستره جهان هستیم، به طوری که امروزه این مخاصمات بعد از موضوع تروریسم، یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های جامعه بین‌المللی است.^۳

1. www.ohchr.org/en/professionalinte

۲. نک: چاردین، ۱۳۶۸: ۳.

۳. نک: رضایی قوام آبادی، ۱۳۸۳: ۱۳۲.

پروفسور شارل روسو جنگ را یک واقعه بین‌المللی، یعنی یک واقعه بین‌الدول، نامیده است.^۱ دکتر مصفا و همکارانش جنگ را نوعی برخورد میان دو یا چند دولت می‌دانند که در آن نیروهای مسلح طرف‌ها، درگیر اقدامات خشونت‌آمیز متقابل می‌شوند.^۲ اوپنهایم (Oppenheim) جنگ را عبارت از برخورد بین دو دولت از طریق قوای نظامی با هدف تفوق و غلبه می‌داند.^۳

درواقع، جنگ (نام سنتی مخاصمه مسلحانه) ابتدا به مبارزه بین دو دولت اختصاص داشت، اما همان طور که ملاحظه خواهیم کرد، امروزه انواع جدیدی از مخاصمات مسلحانه ایجاد شده‌اند که ضرورتاً دو طرف آن دولت‌ها نیستند. علاوه بر آن، در زمان‌های گذشته وجود جنگ در معنای حقوقی، وابسته به اعلام رسمی جنگ بود. از آنجا که در جنگ جهانی دوم اعلام رسمی جنگ عملاً غیرممکن شد،^۴ کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ به منظور این که حقوق بشر دوستانه در هر زمانی که نیروهای مسلح با یکدیگر مبارزه می‌کنند، اعمال شود، به جای کلمه War (جنگ) از مفهوم Armed Conflict (مخاصمه مسلحانه) استفاده کرد.^۵

در واقع، دو دلیل اصلی برای استفاده از این واژه و ترجیح آن بر واژه War وجود دارد. نخست این که واژه Armed Conflict، طیف گسترده‌ای از درگیری‌های بین گروه‌های سازمان یافته را دربر می‌گیرد. این در حالی است که War انواع دیگر از درگیری‌های خفیف‌تر مانند حوادث و حملات مسلحانه مرزی را دربر نمی‌گیرد. دلیل دوم دلیلی حقوقی است. در گذشته به منظور اعمال تمام قواعد بشردوستانه، جنگ باید توسط طرفین اعلام می‌شد. البته، این شرط توسط دولت‌هایی مورد سوء استفاده قرار می‌گرفت که به طور گسترده جنگ را شروع کرده بودند، به این صورت که آن‌ها وجود حالت جنگی بین خود را اعلام نمی‌کردند؛ در نتیجه، بسیاری از قربانیان بدون حمایت باقی می‌ماندند. در حالی که واژه Armed Conflict هم شامل جنگ اعلام شده می‌شود، هم هرگونه مخاصمه مسلحانه دیگری را که ممکن است، بین دولت‌ها صورت گیرد، در بر می‌گیرد.^۶

۱. نک: روسو، ۱۳۶۹: ۹.

۲. نک: مصفا و دیگران، ۱۳۶۶: ۸.

۳. نک: به نقل از نظیفی و جعفری، ۱۳۹۰: ۱۸۳.

4. See: Vashamadza & Paulas, 2009: 97.

5. See: Pictet Commentary, 1952: 32.

6. See: Verhoeven, 2007: 5.

هنوز هیچ تعریف ثابتی از اصطلاح مخاصمه مسلحانه وجود ندارد. این اصطلاح هم در کنوانسیون ژنو و هم در پروتکل‌های الحاقی آن به کار رفته است، اما هیچ یک از آن‌ها تعریفی از آن ارائه نداده‌اند.^۱ همان طور که در ادامه خواهیم دید، اسناد بین‌المللی و رویه قضایی در تعاریف خود از مخاصمه مسلحانه بدون اینکه به تبیین مفهوم مخاصمه مسلحانه بپردازند، صرفاً به تمیز و تفکیک مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی پرداخته‌اند. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بند ۱ ماده ۱ پروتکل الحاقی ۲ به کنوانسیون ژنو بدون این که تعریفی از مخاصمه مسلحانه ارائه دهد، بیان می‌کند: «مخاصمه مسلحانه داخلی، مخاصمات مسلحانه‌ای است که در قلمرو یکی از طرفین متعاقد بین نیروهای مسلح آن کشور و نیروهای مسلح مخالف یا دیگر گروه‌های مسلح سازمان یافته که تحت فرماندهی مسئول هستند و آن چنان کنترلی بر بخشی از قلمرو سرزمین کشور مذکور دارند که آن‌ها را قادر به انجام عملیات نظامی پایدار و هماهنگ و اجرای این پروتکل می‌کند» رخ می‌دهد.^۲

در قضیه Tadic، دادگاه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق (ICTY) در تعریف مخاصمه مسلحانه می‌گوید: «یک مخاصمه مسلحانه زمانی وجود دارد که بین دولت‌ها توسط به نیروهای مسلح وجود داشته باشد یا در قلمرو یک کشور، درگیری مسلحانه طولانی مدت بین نیروهای حکومتی و گروه‌های سازمان یافته یا بین چنین گروه‌هایی رخ دهد.» (Prosecutor V. Dusko Tadic, 1995: Para 70)

مرکز تحقیقات جنگ و صلح اویسالا (Uppsala Conflict Data Program) مخاصمه مسلحانه را این گونه تعریف می‌کند: «درگیری ناسازگاری که مرتبط با حکومت یا قلمروی است که در آن بین دو طرف درگیری، از نیروهای مسلح استفاده می‌شود؛ به گونه‌ای که حداقل یکی از طرفین درگیری، نیروهای حکومتی یک دولت است و این درگیری حداقل ۲۵ کشته دارد.» (UCDP, 2012:1)

کمیته اجرایی انجمن حقوق بین‌الملل (ILA) بیان می‌کند که همه مخاصمات مسلحانه، حداقل دارای دو ویژگی هستند: ۱. وجود گروه‌های مسلح سازمان یافته ۲. وجود حداقلی از شدت.^۳

1. See: Balendra, 2008: 2468.

2. See: Additional protocol II, 1977: Art.1 (1).

3. See: Cited by Oconnell & Others, 2010: 2.

۲- انواع مخاصمات مسلحانه

چنان که مشاهده شد، هیچ یک از موارد ذکر شده فوق به جز کمیته اجرایی انجمن حقوق بین الملل - که ویژگی های موجود در همه مخاصمات مسلحانه را ارائه می دهد - مخاصمه مسلحانه را تعریف نمی کنند، بلکه میان انواع آن تفکیک قائل می شوند. بنابراین، برای درک مفهوم مخاصمه مسلحانه ضروری است، میان انواع آن تفکیک قائل شد. در این راستا، مخاصمات مسلحانه را به دو نوع مختلف تقسیم کرده اند: انواع سنتی مخاصمات مسلحانه و انواع خاص مخاصمات مسلحانه.^۱

۲-۱- مخاصمات مسلحانه سنتی

انواع سنتی مخاصمات مسلحانه عبارت اند از مخاصمات مسلحانه بین المللی و مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی (داخلی)

۲-۱-۱- مخاصمات مسلحانه بین المللی

تعیین وجود یک مخاصمه مسلحانه بین المللی چندان پیچیده نیست.^۲ دکتر شیندلر مخاصمه مسلحانه بین المللی را «درگیری مسلحانه بین بخشی از نیروهای مسلح دو کشور» می داند. گاسر (Gasser) در خصوص مخاصمه مسلحانه بین المللی می گوید: «هرگونه استفاده از نیروهای مسلح یک دولت علیه دولت دیگر.» (Cited by ICRC, 2008: 2) مطابق با تفسیر کمیته بین المللی صلیب سرخ بر کنوانسیون ژنو (معروف به تفسیر پیکته)، «هر نوع اختلافی که بین دو دولت ایجاد شود و منجر به مداخله نیروهای مسلح گردد، یک مخاصمه مسلحانه است ... و تفاوتی نمی کند که آن درگیری چقدر طول می کشد یا چه تعداد کشته می دهد یا چه تعداد نیرو در این درگیری شرکت کرده اند» (Pictet commentary, 1952: 23)

در اکثر موارد وجود یک مخاصمه مسلحانه بین المللی به سختی قابل انکار است. علاوه بر این، حد و مرز خشونت برای شناسایی یک مخاصمه مسلحانه نسبتاً کم است و حتی درگیری های مرزی کوتاه مدت می تواند آغازگر یک مخاصمه مسلحانه بین المللی باشد. بالین حال، عملکرد اخیر دولت ها نشان می دهد که برخوردهای پراکنده بین نیروهای مسلح

1. See: Verhoeven, 2007: 6

2. See: Graham, no data: 44.

مختلف نمی‌تواند نشان دهنده یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی باشد.^۱ در نتیجه، برخی معتقدند، تنها وقتی که مبارزه به سطحی از وخامت برسد که فراتر از برخوردهای منفرد و پراکنده است، به عنوان مخاصمه مسلحانه تلقی می‌شوند.^۲

۲-۱-۲- مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی (داخلی)

دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، «مخاصمه مسلحانه داخلی را خشونت مسلحانه طولانی مدت بین نیروهای حکومتی و گروه‌های سازمان یافته یا چنین گروه‌هایی در داخل قلمرو یک دولت» می‌داند.^۳

تعریف پیشنهاد شده دیوان نه تنها مثال کلاسیک از مخاصمه مسلحانه بین یک کشور از یک سو و نهاد غیر دولتی از سوی دیگر را پوشش می‌دهد، بلکه حالت دیگری از مخاصمه مسلحانه را که در آن هیچ نهاد دولتی حضور ندارد نیز پوشش می‌دهد؛ زیرا دو یا چند نهاد غیردولتی با یکدیگر در حال جنگ هستند.^۴

ذکر این نکته ضروری است که همه اشکال درگیری‌های مسلحانه، شورش‌ها و اختلالات داخلی، شورش‌های چریکی و... ضرورتاً نشان دهنده یک مخاصمه مسلحانه نیست.^۵

از این رو، با توجه به موارد فوق می‌توان چند معیار اصلی را برای تفکیک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی از سایر شورش‌ها و ناآرامی‌ها و اختلالات داخلی بیان کرد. اولین معیار، درگیری مسلحانه طولانی مدت است. این معیار یک عنصر زمانی را تحمیل می‌کند و این معیار نشان می‌دهد که وقایع و حوادث نامنظم و کوتاه مدت در تعریف مخاصمه مسلحانه نمی‌گنجد.^۶

در خصوص این معیار، هیچ حداقل مدت زمان از پیش تعیین شده‌ای که درگیری‌ها باید در طول آن زمان انجام شود تا به عنوان یک مخاصمه مسلحانه شناسایی گردد، وجود ندارد.

1. See: Paulus and Vashakmadze, 2009:101.

۲. نک: فلک، ۱۳۹۱: ۷۳.

3. See: The Prosecutor v. Dusko Tadic, 1995: Para70.

4. See: Cullen, 2010:119.

5. See: Mrazek, 2010: 94.

6. See: Barquero, no data: 22.

دیوان کیفری بین‌المللی در قضیه Chui&Katanga، بیان کرد: «مدارک کافی وجود دارد که اثبات کند، بین اگوست ۲۰۰۲ تا مه ۲۰۰۳، در قلمرو ایتوری (Ituri) بین گروه‌های سازمان یافته محلی، یک مخاصمه مسلحانه رخ داده است». در نتیجه، این نشان می‌دهد که برای شناسایی مخاصمه مسلحانه یک دوره نه ماهه کافی خواهد بود.^۱ همین دادگاه در تصمیم Bemba بیان کرد که چارچوب زمانی پنج ماهه که مخاصمه مسلحانه در طی آن رخ داده است، برای رسیدن به این نتیجه که مخاصمه، طولانی مدت است، کافی خواهد بود.^۲

معیار دیگری که برای شناسایی مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی به کار گرفته می‌شود، شدت درگیری‌ها است که در قضایای مختلف به آن اشاره شده است. عوامل مرتبط با ارزیابی شدت برای مثال شامل: تعداد رزمندگان، نوع و میزان سلاح استفاده شده، جابجایی جمعیت و دخالت شورای امنیت و دیگر بازیگران بین‌المللی برای تلاش برای آتش بس است.^۳

در تصمیم Milosevic، دیوان کیفری یوگسلاوی سابق، «طول درگیری‌ها و ماهیت طولانی بودن درگیری‌ها» را در تعیین این که آیا معیار شدت برای وجود یک مخاصمه مسلحانه تحقق یافته است یا خیر، مورد توجه قرار داد.^۴ معیارهای دیگری که دیوان به کار برد عبارت بودند از: «افزایش شمار نیروهای حکومتی در طول یک دوره زمانی خاص» (Prosecutor V. Milosevic, 2004: Para 30)، «قلمرو جغرافیایی درگیری.» (Prosecutor V. Milosevic, 2004: Para 29) و «نوع سلاح و تسلیحات استفاده شده» (Prosecutor V. Milosevic, 2004: Para 31).

سومین معیار برای تعیین وجود یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی، سازماندهی طرفین درگیری است. مخاصمات مسلحانه شامل دو یا چند گروه مسلح سازمان یافته است، خشونت‌های اعمال شده توسط یک فرد تروریست که اساساً به تنهایی اقدام می‌کند یا شورش‌های سازمان نیافته توده مردم، مخاصمه مسلحانه نیست.^۵

1. See: Prosecutor V. Katanga and Chui, 2008: Para 239.

2. See: Pictet commentary, 1960: Para 255.

3. See: Prosecutor V. Boskoski and Tarculavski, 2008: Para 117.

4. See: Prosecutor V. Milosevic, 2004: Para 28.

5. See: Oconnell & Others, 2010: 28.

سازماندهی، اشاره به ترکیب نظامی و سطح نظم یک گروه مسلح دارد. این نظم سبب ایجاد سلسله مراتبی از فرماندهی‌ها می‌گردد که به موجب آن میان افراد مافوق و افراد تابع، یک رابطه سلسله مراتبی برقرار می‌شود.^۱

دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، در قضیه Delalic، اظهار نمود که: «... به منظور تمییز از ناآرامی‌های داخلی و فعالیت‌های تروریستی، بر ... سازماندهی طرفین درگیر تاکید می‌گردد.» (Military and Paramilitary in and Nicaragua, 1986: Para 184)

کمیته جهانی صلیب سرخ نیز عنصر سازماندهی را به عنوان معیار قطعی تعیین مخاصمه مسلحانه به کار برده است.^۲

۲-۲- مخاصمات مسلحانه خاص

این دسته از مخاصمات شامل موارد ذیل است:

۲-۲-۱- نهضت‌های آزادی بخش ملی

اصطلاح جنگ‌های آزادی بخش ملی به درگیری‌های مسلحانه ای اشاره می‌کند که در آن‌ها مردم در اجرای حق خویش بر تعیین سرنوشت، علیه سلطه استعماری و اشغال بیگانه و علیه رژیم‌های نژادپرست، مبارزه می‌کنند.^۳

تا قبل از جنگ جهانی دوم، توجه قوانین جنگ به طور انحصاری به درگیری بین دولت‌ها یعنی مخاصمات مسلحانه بین‌المللی متمرکز بود.^۴ اما افزایش نهضت‌های آزادی بخش ملی از سال ۱۹۵۰ در نهایت منجر به تدوین ماده ۱ پروتکل الحاقی ۱ به کنوانسیون‌های ژنو در سال ۱۹۷۷ گردید.^۵

بند ۴ از ماده ۱ پروتکل الحاقی ۱ بیان می‌کند که «مبارزات سه دسته از مردم، می‌تواند به عنوان مبارزه آزادی بخش ملی در نظر گرفته شود. مردمی که علیه سلطه قدرت‌های استعماری، اشغال بیگانه و رژیم‌های نژاد پرست، مبارزه می‌کنند.» (Additional Protocol I, 1977: Art1(4))

1. See: Barquero, no data: 36.

2. See: ICRC, 1998: Para 13.

۳. نک: فریمن، ۱۳۸۳: ۳۸.

4. See: Higgins, 2004: 12.

5. See: Nasu, 2009: 15.

بند ۴ ماده ۱ این پروتکل اعلام کرده که «جنگ‌های آزادی بخش ملی دارای وضعی برابر با مخاصمات مسلحانه بین‌المللی می‌باشند.» (Additional Protocol I, 1977: Art1(4))
 بنابراین، مقررات کنوانسیون ژنو و دیگر قوانین مربوط در چنین مخاصمات مسلحانه‌ای قابل اعمال و اجراست.^۱

۲-۲-۲- مخاصمات مسلحانه داخلی بین‌المللی شده

مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی بین‌المللی شده، یک جنگ داخلی است که با مداخله نیروهای مسلح یک قدرت خارجی مشخص می‌شود.^۲

شرایط واقعی که می‌تواند مخاصمه را بین‌المللی کند، متعدد و اغلب پیچیده است. اصطلاح مخصوصاً مسلحانه بین‌المللی شده، جنگ بین دو جناح داخلی که هر دو به‌وسیله دولت‌های متفاوت حمایت می‌شوند؛ درگیری‌های مستقیم بین دو دولت خارجی که در حمایت از طرفین مخالف در یک مخاصمه داخلی، مداخله نظامی می‌کنند و جنگ همراه با مداخله خارجی در جهت حمایت از گروه شورشی را که به مبارزه علیه حکومت مستقر می‌پردازد، شامل می‌شود؛^۳ برای مثال، دخالت مسلحانه ناتو (که به شکل حملات دریایی و هوایی بود) در مخاصمه مسلحانه داخلی بین جمهوری فدرال یوگسلاوی (FRY) و ارتش آزادی‌خواه کوزوو (KLA)، منجر به بین‌المللی شدن مخاصمه مسلحانه در یوگسلاوی گردید.^۴

آنچه اهمیت دارد، این است که هر میزان از مداخله دولت ثالث، موجب بین‌المللی شدن مخاصمه مسلحانه داخلی نمی‌شود. اگر دولت ثالث، سربازانی را جهت مساعدت به یکی از طرفین در یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی بفرستد، این میزان از مداخله، مخصوصاً مسلحانه داخلی را بین‌المللی می‌کند. اگر دولت میزان مداخله خود را به فرستادن کارشناسان و مشاوران نظامی محدود کند یا مجوز رفتن به کشور درگیر در مخاصمه مسلحانه داخلی را به داوطلبان بدهد، این میزان از مداخله آن را بین‌المللی نمی‌کند، زیرا آن‌ها به عنوان مقام

1. See: Cited by Verhoeven, 2007: 12.

2. See: Gasser, 1982: 145.

3. See: Schindler, 1982: 255.

4. See: Egorov, 2000: 183.

رسمی دولت مداخله کننده عمل نمی‌کنند و دولت مسئول اقدامات افرادی که عضوی از دولت او نیستند، نمی‌باشد. البته، اگر کارشناسان و مشاوران نظامی تحت اقتدار منحصر به فرد دولت فرستنده باشند یا دولت به طور قابل ملاحظه‌ای در اقدامات مسلحانه داوطلبان و مزدوران دخیل باشد، مخاصمه، بین‌المللی می‌شود. صرف کمک‌های مالی و مادی یک کشور دیگر نیز آن را بین‌المللی نمی‌کند، مگر اینکه این کمک‌ها همراه با سایر کمک‌ها مثل کمک‌های نظامی باشد.^۱

۳- مخاصمات مسلحانه با مشارکت سازمان ملل متحد

بعد از پایان جنگ سرد، سازمان ملل به طور فزاینده‌ای در مخاصمات مسلحانه فعال بوده است. بین دو حالت باید تمییز داده شود؛ زمانی که سازمان ملل به دولت‌های عضو اجازه استفاده از زور را علیه دولت دیگر می‌دهد و دوم زمانی است که سازمان ملل، نیروهای حافظ صلح را جهت پاسداری از صلح به یک دولت درگیر در یک مخاصمه مسلحانه داخلی یا به دو دولت که با یکدیگر درگیر هستند، ارسال می‌کند.^۲

درخصوص مورد اول، برای کاهش سوء استفاده دولت‌های بزرگ از این امر، این مداخلات باید به صورت جمعی و صرفاً از طریق موافقت سازمان ملل و تحت نظارت و کنترل کامل آن صورت گیرد.^۳

و اما نوع دوم، براساس گزارش دیوان بین‌المللی دادگستری، مأموریت‌های حافظ صلح براساس فصل هفتم منشور ایجاد نشده‌اند، بلکه آن‌ها از ارکان فرعی مجمع عمومی یا شورای امنیت هستند و به کارگیری آن‌ها منوط به موافقت دولتی (هایی) است که این نیروها به آنجا فرستاده می‌شوند.^۴

در حفظ صلح سنتی که به طور عمده شامل نظارت بر آتش بس یا موافقتنامه‌های صلح می‌شد، نیروهای سازمان ملل تنها برای دفاع از خود می‌توانستند، به زور متوسل شوند، اما با گسترش وظایف، آن‌ها این حق را پیدا کردند که برای دفاع از حق خویش به آزادی رفت و

1. See: Vorhoeven, 2007: 16-18.

2. See: Vorhoeven, 2007: 16-18.

۳. نک: شریفیان، ۱۳۸۴: ۳۳.

4. See: ICJ Rep, 1962: 166.

آمد و حتی حقوق اجرایی گسترده، مثل جایی که برای حفاظت از کمک‌های بشردوستانه لازم است، به زور متوسل شوند.^۱

از این رو، براساس مجوز شورای امنیت، سازمان ملل، خود درگیر یک مخاصمه مسلحانه بین نیروهای حافظ صلح خود و یکی از طرفین مخاصمه می‌شود. اگرچه استدلال شده است، مخاصمه فقط در صورتی بین‌المللی می‌شود که نیروهای حافظ صلح سازمان ملل خصومت‌هایی را علیه حکومت یک دولت انجام دهند.^۲

در نهایت باید گفت تفکیک و تمییز انواع مخاصمات مسلحانه از یکدیگر، برای شناسایی قوانین حاکم بر مخاصمات مسلحانه اهمیت دارد و این که چه قوانینی حاکم بر مخاصمات مسلحانه باشد، بستگی به ویژگی‌های این مخاصمات دارد.

۴- وضعیت حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه

چنانکه اشاره شد، حقوق بشر حقوقی اساسی و غیر قابل انکاراند که همیشه نسبت به هر شخصی و در همه زمان‌ها اعمال می‌شوند. تعدادی از این حقوق مطلقاً در دسترس شهروندان است و تعدادی از آن‌ها موضوع محدودیت‌های منطقی تحمیل شده، براساس قانون هستند. علاوه بر این، آن‌ها زمانی که حیات یک ملت در خطر است به ویژه در زمان شرایط استثنایی اضطراری در دسترس نیستند.^۳

تا قرن بیستم این موضوع مبهم باقی مانده بود که آیا قوانین حقوق بشر در طول مخاصمات مسلحانه بر اعمال دولت‌ها اعمال می‌شود؟ برخی دولت‌ها معتقد بودند که در این وضعیت، قوانین بشردوستانه اعمال می‌گردد، نه قوانین حقوق بشر. برخی دیگر می‌پنداشتند که قوانین حقوق بشر مکمل و در کنار قوانین حقوق بشردوستانه اعمال می‌شوند.^۴

طرفداران دیدگاه دوم بیان کردند که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و معاهدات منطقه‌ای حقوق بشر متضمن قیدی هستند که اجازه تعلیق برخی از تعهدات معین را در زمان اضطرار عمومی که حیات یک ملت را تهدید می‌کند، می‌دهند. در نتیجه،

1. See: Lamp & Trif, 2009: 4.
 2. See: Greenwood, 1998: 25-26.
 3. See: Ullan & Uzair, 2011: 181.
 4. See: Lubell & Derejko, 2013: 6.

این نشان می‌دهد که قوانین حقوق بشر در همهٔ موقعیت‌ها قابل اعمال‌اند و می‌توان برخی از آن‌ها را تعلیق کرد.^۱

زمانی که یک کنوانسیون حقوق بشر، حالت جنگ را دلیلی برای تعلیق می‌داند، نشان می‌دهد که این کنوانسیون‌ها در زمان مخاصمات مسلحانه نیز اعمال می‌گردند.^۲ در غیر این صورت، دولت مجبور نخواهد بود با همهٔ شرایط و ضوابط تعلیق (اعلامیه، اطلاع رسانی، عدم تبعیض، تناسب) موافقت کند و در نتیجه بند تعلیق یک امر غیر ضروری تلقی می‌گردد.^۳

دولت‌ها به هنگام تدوین پیش‌نویس میثاق حقوق مدنی و سیاسی اسناد منطقه‌ای حقوق بشر به دنبال به حداقل رساندن تلفات در طول شرایط اضطراری و فوق‌العاده از یک سو^۴ و از سوی دیگر به منظور برقرار کردن تعادل بین نیاز به امنیت ملی و حفاظت از حقوق بشر، قیودی را در این اسناد گنجانده‌اند که به دولت‌ها اجازه می‌داد، به هنگام مواجه شدن با شرایط اضطراری که ممکن است، شامل خشونت‌های تروریستی واقعی یا قریب الوقوع و یا درگیری‌های مسلحانه باشد، برخی از حقوق مندرج در این اسناد را به حالت تعلیق درآورند.^۵

همان‌طور که کمیسیون حقوق بین‌الملل اظهار کرده است: «این قابلیت تعلیق ... به طور مشخص ملاکی بر این است که یک مخاصمهٔ مسلحانه منجر به تعطیلی یا فسخ [حقوق کنوانسیون] نمی‌شود.» (ILC Rep, 2005: Para 87)

بند اول مادهٔ ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند اول مادهٔ ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند اول مادهٔ ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر حاوی بند تعلیق می‌باشند.

وجود بند تعلیق در این معاهدات، خود نشان دهندهٔ این است که حقوق بشر مکمل حقوق بشر دوستانه در زمان مخاصمات مسلحانه اعمال می‌گردد. اما آنچه که در مواد فوق‌مورد بحث است این است که مواد ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مادهٔ ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر به صراحت حالت جنگ را دلیلی جهت تعلیق حقوق بشر ذکر می‌کنند؛

1. See: Lubell & Derejko, 2013: 7.

2. See: Larsen, 2004: 14.

3. See: Droege, 2007: 318.

4. See: Hafne and etc, 2011: 637.

5. See: Goldman, 2013: 105.

در نتیجه، واضح است که تعهدات ذکر شده در این دو کنوانسیون باید در زمان جنگ اعمال گردند و طرفین معاهده فقط با رعایت شرایط ذکر شده در این مواد می‌توانند برخی از حقوق بشر را در زمان مخاصمات مسلحانه به حالت تعلیق درآورند.

با این حال، ماده ۴ میثاق حالت جنگ را دلیلی برای تعلیق ذکر نکرده است و ممکن است این تفکر را ایجاد کند که این میثاق در زمان مخاصمات مسلحانه قابل اعمال نیست.^۱ اما این برداشت نادرست است. عدم ذکر حالت جنگ در این ماده را می‌توان از طریق بی‌میلی و اکراه سازمان ملل در استعمال عباراتی نظیر جنگ در هنگام نگارش منشور این سازمان توضیح داد: «در هماهنگی با انکار جزمی جنگ بعد از نگارش منشور سازمان ملل، احساس می‌شد که این میثاق حتی به طور جزمی نباید وضعیت جنگ را در نظر گیرد». از همین رو، در این سند از هر گونه اشاره صریح به وضعیت جنگ خودداری شده بود.^۲

علاوه بر این، دیوان بین‌المللی دادگستری بر طبیعی بودن حقوق بشر تأکید کرده است. اولین بیانات آن را در خصوص اعمال حقوق بشر در زمان مخاصمه مسلحانه می‌توان در نظریه مشورتی درباره قانونی بودن تهدید به استفاده از سلاح‌های اتمی در سال ۱۹۹۶ با احترام به میثاق یافت: «دادگاه معتقد است که حمایت از کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در زمان جنگ متوقف نمی‌گردد، مگر با اعمال ماده ۴ کنوانسیون که به موجب آن مقررات خاصی می‌توانند در زمان یک اضطرار عمومی تعلیق گردند.» (ICJ, Advisory Opinion, 1996: Para 25)

به علاوه، تاریخ تدوین پیش‌نویس میثاق سرشار از ارجاع به جنگ به عنوان یکی از وضعیت‌های اضطرار عمومی توجیه‌کننده تعلیق است و حقیقتاً پیش‌نویس اولیه ماده ۴ میثاق همانند کنوانسیون اروپایی و آمریکایی حقوق بشر به صراحت جنگ را ذکر کرده است.^۳

کمیته حقوق بشر در تفسیر کلی شماره ۲۹ بیان می‌دارد: «... در طول مخاصمه مسلحانه... مفاد ماده ۴ میثاق به منظور جلوگیری از سوء استفاده دولت‌ها از وضعیت اضطراری

1. See: Larsen, 2009: 14.

2. See: Official Report of the Economic and Social Council, 1681: Annex1, Art. 2.

3. See: Milanovic, no data: 10.

اعمال می‌شود. میثاق مستلزم این است که حتی در طول مخاصمه مسلحانه اقدامات تعلیقی تنها تا جایی مجازند که وضعیت دربردارنده تهدید حیات یک ملت باشند...» (General Commnt no 29, 2001: Para 3)

پس می‌توان نتیجه گرفت که عدم اشاره صریح به جنگ در ماده ۴ به این دلیل نبوده که این میثاق غیر قابل اعمال در زمان جنگ باشد یا جنگ نمی‌تواند دلیلی توجیه کننده برای تعلیق باشد، بلکه به این دلیل بوده است که «سازمان ملل با هدف جلوگیری از جنگ ایجاد شده است و این امر نادرست که میثاق شامل مکانیزمی باشد که به راه اندازی جنگ کمک کند.» (Annotation on the Text of the Draft International Covenants on Human Rights, 1955: Chapter 5)

ضمن اینکه اضطرار عمومی شامل تهدیدی برای زندگی سازمان یافته جمعیتی است که دولت متشکل از آن‌هاست^۱ و مخاصمات مسلحانه، ناآرامی‌های داخلی و خشونت‌آمیز، بلایای زیست محیطی و طبیعی و... نمونه‌هایی از این وضعیت اضطراری‌اند.^۲

بنابراین، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نشان می‌دهد که حقوق میثاق به طور خود به خود در زمان مخاصمات مسلحانه متوقف نمی‌شود^۳ و دول عضو می‌توانند با رعایت شرایط ذکر شده در ماده ۴ در زمان اضطرار عمومی که مخاصمات مسلحانه یکی از این اضطرارهاست، برخی از حقوق بشر را تعلیق کنند.^۴

علاوه بر آنچه که بیان گردید، حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر هر دو به منظور حمایت از حقوق نوع انسان و واداشتن دولت‌ها به رعایت شأن و مرتبت انسانی تدوین و توسعه یافته‌اند و مکمل هم عمل می‌کنند. نخستین کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر در بهار ۱۳۴۷ (آوریل - مه ۱۹۶۸م) در تهران بر ارتباط حقوق بشردوستانه و حقوق بشر صحنه گذاشت. این کنفرانس با تصویب قطعنامه شماره ۲۳ با عنوان «رعایت حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه» حقوق بین‌الملل بشردوستانه را دنباله حقوق بشر قرار داد.^۵

1. See: Cowell, 2013: 146.

2. See: Hartman, 1981: 2.

3. See: Knable, 2005: 10.

4. See: ICCPR, 1966: Art4.

درواقع، امروزه تا حد زیادی مرز میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه محو شده، تا بدانجا که بسیاری از قواعد حقوق بشر در حقوق بشردوستانه قابل اعمال است. حقوق بشر، حقوقی است که همگان در همهٔ زمان‌ها، حتی زمان جنگ از آن‌ها برخوردارند،^۱ حال آنکه حقوق بشر دوستانه مجموعه‌ای از قواعد بین‌المللی یا عرضی است که مشخصاً ناظر به رفتار قوای مخاصم در جنگ‌های مسلحانه است.^۲

مجمع عمومی سازمان ملل نیز قطعنامهٔ ۲۶۷۵ را در ۹ دسامبر ۱۹۷۰ م. با عنوان «اصول بنیادین مربوط به حمایت از جمعیت غیرنظامی در زمان مخاصمات مسلحانه» تصویب کرد که در آن آمده است: «حقوق بنیادین بشر، آن‌گونه که در حقوق بین‌الملل مقرر و در اسناد بین‌المللی بیان شده‌اند، در زمان مخاصمات مسلحانه همچنان قابل اجراست.» همه معاهدات بین‌المللی حقوق بشر، به شکلی یکسان از حقوقی با عنوان حقوق بنیادین یاد می‌کنند. این حقوق، هستهٔ سخت حقوق بشر را تشکیل می‌دهد و در همه حال و همه وقت باید رعایت شود. از این حقوق در پروتکل‌های الحاقی با عنوان «تضمین‌های اساسی» و در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با عنوان حقوقی که قابل تخطی و تعطیل بردار نیستند، تعبیر شده است.^۳

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز به همین عقیده بود و در نظر مشورتی ۸ ژوئیه ۱۹۹۶ م. خود در مورد سلاح‌های هسته‌ای به صراحت اعلام می‌کند: «حمایت‌های مقرر در میثاق حقوق مدنی و سیاسی در جریان مخاصمات متوقف نمی‌شود، مگر به موجب مادهٔ ۴ میثاق که با توجه به آن ممکن است اجرای بعضی از مقررات در شرایط اضطراری تعلیق شود. احترام به حق حیات دارای این ویژگی نیست و اصولاً این که فرد نباید به طور خودسرانه از حق زندگی محروم شود، در زمان مخاصمات نیز اعمال می‌شود ...» (ICJ Rep, 1996: Para25) بدین ترتیب، دیوان با توجه به هر دو شاخهٔ حقوق بین‌الملل، تصریح می‌کند که حقوق بشر در هر شرایطی باید محترم شمرده شود و در زمان مخاصمات مسلحانه به همراه حقوق بشردوستانه باید به اجرا درآید.^۴

۱. نک: ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۷.

۲. نک: ترابی، ۱۳۸۷: ۸.

۳. نک: ترابی، ۱۳۸۷: ۲-۶۱.

۴. نک: حبیب زاده، ۱۳۸۴: ۸۲.

نتیجه‌گیری

مسئله اصلی این مقاله حول نسبت میان دو عنصر اصلی جامعه انسانی می‌چرخید: حقوق بشر و مخاصمات مسلحانه؛ به عبارت دیگر، می‌کوشید تا در خلال تأملی نظری بر این دو مفهوم و فهم نسبتشان با یکدیگر به بررسی وضعیت حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه بپردازد. چنان که مشاهده شد، حقوق بشر به حداقل استانداردهایی اشاره دارد که قدرت‌ها باید در رفتار خود با مردم به آن‌ها پایبند باشند؛ به عبارت دیگر، حقوق بشر محدودیت‌هایی را بر اعمال قدرت نهادهای دولتی یا غیردولتی وارد می‌کند و از طرف دیگر آن‌ها را مجبور می‌کند که در حوزه جغرافیایی خود تدابیری اتخاذ نمایند تا مردم قادر به اعمال واقعی حقوق خود باشند. حقوق بشر بر روابط دولت و افراد در زمان صلح و معمولی حاکم است. از سوی دیگر، جنگ و مخاصمه مسلحانه یکی از عناصر پایدار تاریخ حیات بشری بوده و انسان‌ها بخش اعظمی از حیات خود را در جنگ و مخاصمات مسلحانه سپری کرده‌اند. امروزه انواع مختلفی از مخاصمات مسلحانه به وجود آمده‌اند که این مخاصمات ممکن است بین دو یا چند دولت، بین نیروهای حکومتی و گروه‌های مسلح سازمان یافته در داخل یک دولت، بین مردم یک کشور و دولت استعماری یا نژاد پرست رخ دهد و نیز ممکن است، یک مخاصمه همراه با دخالت یک عنصر خارجی به وقوع بپیوندد. آثار زیان‌بار این مخاصمات، جامعه بین‌الملل را به منظور کاهش تلفات جانی و مالی به سمت تدوین حقوق و مقررات بشردوستانه که بر روابط طرفین مخاصمه حاکم است، سوق داد. بنابراین، آنچه مسلم است این است که حقوق بشردوستانه، حقوق مختص مخاصمات مسلحانه است، ولی این امر به این معنا نیست که در این مواقع مقررات حقوق بشر به دست فراموشی سپرده می‌شود بلکه بالعکس، در زمان مخاصمات مسلحانه، حقوق بشر پا به پای حقوق بشردوستانه اعمال می‌گردد و دولت‌ها مکلف به اعمال و احترام به هر دوی این مقررات هستند. با این حال، مخاصمات مسلحانه می‌تواند به عنوان یک وضعیت اضطراری مطرح گردد و دول عضو برخی از حقوق بشر را به صورت موقتی و با رعایت شرایط تعلیق به حالت تعلیق درآورند. در این مواقع نیز دولت‌ها موظف‌اند، به حقوق غیرقابل تعلیق، مانند حق حیات، منع شکنجه و ... در کنار حقوق بشردوستانه احترام گذارند. ضمن اینکه بند تعلیق خود بیان‌کننده و تأییدکننده اجرای حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه است.

منابع

الف- فارسی

۱. ترابی، محمد (۱۳۸۷)، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی (داخلی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۲. چاردین، سی‌باین (۱۳۶۸)، جنگ دوم جهانی، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران: انتشارات تونس.
۳. حبیب‌زاده، توکل (۱۳۸۴)، «ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از دیدگاه حقوق بین‌الملل، درآمدی بر رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری»، *دوفصلنامه دین و ارتباطات*، شماره ۲۸، صص ۷۰-۱۰۶.
۴. رستم‌زاد، حسینقلی (۱۳۸۴)، «جامعه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره ۲۲، شماره ۳۳، صص ۷۱-۹.
۵. رفیعی، کیوان (۱۳۸۶)، *کالبد شکافی حقوق بشر*، تهران: انتشارات مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران.
۶. رضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۳)، «تأملی چند بر منابع قراردادی حقوق مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق*، دوره ۵، شماره ۱۳، صص ۱۵۶-۱۳۰.
۷. رنجبریان، امیر حسین (۱۳۷۳)، «تأملی بر حقوق بشر»، *نشریه راهبرد*، شماره ۴، صص ۱۳۷-۱۶۴.
۸. روسو، شارل (۱۳۶۹)، *حقوق مخاصمات مسلحانه (جلد دوم)*، ترجمه دکتر سید علی هنجبی، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
۹. شریعتی، سعید (۱۳۸۴)، *حقوق ملت و دولت در قانون اساسی*، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
۱۰. شریفیان، جمشید (۱۳۸۰)، «بین‌المللی شدن حقوق بشر»، *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره ۵۹، صص ۸۰۱-۸۲۸.
۱۱. شریفیان، جمشید (۱۳۸۴)، «مداخله بشردوستانه و سازمان ملل متحد»، *فصلنامه بصیرت*، سال دوازدهم، شماره ۳۴، صص ۲۶-۳۹.
۱۲. ضیائی‌بیگدلی، محمد رضا (۱۳۸۰)، *حقوق جنگ*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۳. ضیائی‌بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۳)، «نگرشی بر مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، شماره ۱۳، صص ۵-۱۸.
۱۴. عباسی‌اشلقی، مجید (۱۳۸۳)، «تحول نظری مفهوم حقوق بشر و جایگاه آن در روابط بین‌الملل»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۰۱ و ۲۰۲، صص ۹۰-۱۰۱.

۱۵. فریمن، مارک (۱۳۸۳)، «حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی»، ترجمه سعید ارادت، نشریه اطلاع رسانی حقوقی، دوره ۴۶، شماره ۱۰، صص ۳۶-۴۷.
۱۶. فلک، دیتر (۱۳۹۱)، *حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه*، ترجمه: دکتر سید قاسم زمانی، ویرایش: دکتر سید قاسم زمانی و دکتر نادر ساعد، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۷. کولب، رابرت و هاید، ریچارد (۱۳۹۴)، *درآمدی بر حقوق مخاصمات مسلحانه*، ترجمه سید حسام‌الدین لسانی، تهران: انتشارات مجد.
۱۸. مصفا، نسرين، عالم، عبدالرحمن، طارم سرایی، مسعود، و مستقیمی، بهرام (۱۳۶۶)، «مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره ۷، شماره ۸، صص ۸-۵۲.
۱۹. ممتاز، جمشید و امیر حسین رنجبریان (۱۳۸۴)، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه داخلی*، تهران: نشر میزان.
۲۰. ممتاز، جمشید و قربان نیا، ناصر (۱۳۸۵)، «چارچوب هنجاری نظام بین‌الملل حقوق بشر و بشردوستانه»، *فصلنامه نامه مفید*، دوره ۱۲، شماره ۵۵، صص ۳-۱۸.
۲۱. میر عباسی، سید باقر (۱۳۸۵)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: نشر میزان.
۲۲. نظیفی، عباس و جعفری، اصغر (۱۳۹۰)، «نگاهی تحلیلی بر مخاصمات مسلحانه در دو دیدگاه: اسلام و حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۵۴، صص ۱۷۹-۲۳۰.

ب- لاتین

23. Balendra, Natasha (2007). "Defining armed conflict", *Oxford Journal of Law*, Vol. 29, No. 6, pp. 2461-2516.
24. Cowell, Frederich (2013). "Sovereignty and the Question of Derogation: An Analysis of Article 15 of the ECHR and the Absence of a Derogation Clause in the ACHPR", *Birkbeck Law Review*, Vol.1, No.1, pp. 135- 162.
25. Cullen, Antony (2010). *The Concept of Non- International Armed conflict in International Humanitarian Law*, New York: Cambridge University Press.
26. Donnelly, Jack (1999). "Human rights, Democracy and Development" *Human Rights Quarterly*, Vol.21, No.3, pp. 608-632.
27. Droege, Ordula (2007). "The Interplay between International Humanitarian Law and International Human Rights Law in Situations of Armed Conflict", *Research Paper*, Vol. 40, No.2, pp. 310-355.
28. E.Graham, David (2012). "Defining Non - international Armed Conflict: A Historically Difficult task", *International Law Studies*, Vol. 88, pp. 43-55.
29. Egorov, Sergey (2000). "The Kosovo Crisis and the Law of Armed Conflicts", *International Review of the Red Cross*, No. 837, pp.183-192.

30. European Training and Research Centre for Human Rights and Democracy (ETC) (2012). Understanding human rights; manual on human rights education, Edited by Wolfgang Benedek, Vienna: European Training and Research Centre for Human Rights and Democracy (ETC).
31. Gasser, Hans Peter (1983). "Internationalized Non-international Armed conflict: case studies of Afghanistan, Kampuchea, and Lebanon", *The American University Law Review*, Vol.33, No. 145, pp.145-161.
32. Greenwood, Christopher (1998). "International Humanitarian law and United Nations Military operations", *Yearbook of international humanitarian law*, Vol.1, pp. 3 - 34.
33. Hartman, Joan.F (1981). "Derogation from Human Rights Treaties in public Emergencies", *Harvard international law Journal*, Vol. 22, No. 1.
34. Knable, Patrick (2005). "The Relationship between International Humanitarian Law and International Human Rights Law in Situations of Armed Conflict", *The New Zealand Postgraduate Law e-Journal*, Issue 5.
35. Lamp, Nicolas, & Trif, Dana (2009). "United Nations Peacekeeping Forces and the Protection of Civilians in Armed conflict", *Hertie school of Governance-working papers*, No.47, pp.1-57.
36. Lubell, Noam & Derejko, Nathan (2013). "A Global Battlefield? Drones and the Geographical Scope of Armed Conflict", *Journal of international criminal Justice*, Vol.11, Issue. 1, pp.1-23.
37. Mc Nair, Lord (1961). *The Law of Treaties*, Oxford: Clarendon Press.
38. Mrazek, Josef (2010). "Armed Conflict and the Use of Force", *CYIL*, Vol.1, pp.87 -109.
39. Nasu, Hitoshi (2009), "Status of Rebels in Non - international Armed Conflict", *ANU college of law Research paper*, No. 10 - 71, pp 239 - 260.
40. Paulus, Andreas & Mindia Vashakmadze (2009). "Asymmetrical War and the Notion of Armed Conflict - a tentative conceptualization", *International Review of the Red Cross*, Vol.91, No .873, pp 95-125.
41. Schindler, Dietrich (1982). "International Humanitarian Law and Internationalized Armed Conflicts", *International Review of the Red Cross*, Vol.22, No. 230, pp.255-264.
42. Ullan, Aman & Same Uzair (2011). "Derogation of Human Rights under the Covenant and Their Suspension During Emergency and Civil Martial Law, in India and Pakistan", *Research Journal of South Asian Studies*, Vol.26, No.1, pp.181 - 189.
43. Verhoeven, Sten (2007). "International and Non - international Armed Conflict", *Institute for International law-working paper*, No. 107, pp. 1-22.
44. Walter, Franziska, Manfred Nowak, Christin Sommer, Helmut Sax, George Huber & Graben Warter (2010). *Human Rights Manual*, Vienna: Austrian Development Agency (ADA).
45. Wenar, Lief (2005). "The nature of human rights, Edited by A. Follesdal and T. Pogge", *Ethics*, Vol.1, pp.285-293.

پ - اسناد

46. Human Rights Committee, General Comment No.29 Article 4: Derogations during a State of Emergency, 31 August 2007, CCPR/C/21/Rev.1/Add.11.
47. ICJ Report, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion of 8 July 1996.
48. International Law Commission (57th session), First Report on the Effects of Armed Conflicts on Treaties, (by Mr.Ian Brownlie, special Rapporteur), No. A/CN.4/552, Geneva, 2 May, 3 June, 4 July & 5 August 2005.
49. Pictet, Jean, Commentary on the Geneva Convention of 12 August 1949. ICRC, Geneva 1952.
50. Protocol Additional to the Conventions of 12 August 1949, and Relating to the protection of victims of Non - international Armed conflicts (protocol II), Adapted 1977, Entry into force: 7 December 1978. Available at: <https://www.icrc.org>
51. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, Adopted at Geneva on 8 June 1997, No.17512. Available at: <http://treaties.un.org>
52. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, Adopted at Geneva on 8 June 1997, No.17512. Available at: <http://treaties.un.org>
53. United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs, (2003). Glossary of Humanitarian Terms in Relation of Civilian in Armed Conflict, New York.
54. United Nations, Official Report of the Economic and Social, Eleventh Session, Supplement No .5, U.N. Doc: E /1681.
55. Uppsala Conflict Data Program, Armed conflict Dataset Codebook, Version 4, 2012.

ت - سایت های اینترنتی

56. "How is the term Armed conflict Defined in international humanitarian law?" (2008). International Committee of the Red Cross (ICRC), opinion paper.pp.1-5. Available at: <https://www.icrc.org/eng/assets/files/other/opinion-paper-armed-conflict.pdf>.
57. Barquero, Ray (No Data). "The [New] Thresholds of Non - international Armed Conflict - A Product of Jurisprudential Provenance?", pp. 1-50. Available at: <http://www.academia.edu>.
58. Higgins, Noelle (2004). "The Application of International Humanitarian Law to Wars of National Liberation", Journal of humanitarian Assistance. Available at: <http://sites.tufts.edu/jha/files/2011/04/a132.pdf>.
59. Human Right Council Opens Special on the Human Rights Situation in the Occupied Palestinian Territory, 23 July 2014. <http://www.ohchr.org>.
60. ICC, The Prosecutor V.Germain Katanga and Mothiev Ngudjolo Chuni, Case No. ICC - 01 /04 - 01 / 07, Decision on the Conformation of Charges, 30 October 2008 .Available at: www.icc.cpi.int.
61. ICJ Report, advisory opinion of 20 July 1962, Certain Expenses of the united Nations, Available at: www.icj-cij.org.

62. ICRC, Armed Conflicts Linked to the Disintegration of Structures: Preparatory Document Drafted by the International Committee of the Red Cross for the First Periodical Meeting on International Humanitarian Law (1998), Geneva. Available at: www.icrc.org.
63. International Covenant on Civil and Political Rights, Adopted 16 Dec 1966, by General Assembly resolution 2200 A (XXI). Entry into force 23 March 1976 (ICCPR) No. 19668. Available at: <https://treaties.un.org>.
64. International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia, Prosecutor V. Dusko Tadic, Disposition of the Defence motion on interlocutory appeal on Jurisdiction, Appeals Chamber, 2 October 1995, Case No. IT-94-AR72. at: <http://www.un.org>
65. International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia, Prosecutor V. Slobodan Milosevic, Decision on Motion for Judgment of Acquittal, Case No. IT - 02 - 54 - T, 16 June 2004. Available at: www.icty.org/
66. K. Goldman, Robert (2013). "Extraterritorial Application of the Human Rights to Life and Personal Liberty, Including Habeas Corpus, During Situations of Armed Conflict", Research Handbook on Human Rights and Humanitarian Law, pp. 104-124. Available at: <http://digitalcommons.wcl.american.edu/>
67. Larsen, M. Kjetil (2009). "Challenges in Applying Human Rights Law to Armed Conflict: the Relationship Between International Human Rights Law and International Humanitarian Law", Available at: <https://bora.uib.no/bitstream/handle/1956/3693/58407564.pdf?sequence=1>
68. Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua (Nicaragua V. United States of America), (27 June 1986), Judgment on the Merits, Available at: www.icj-clj.org
69. O'Connell. Mary Ellen, Gardam, Tudith & Others (2010). "Use of Force, Final Report on the Meaning of Armed Conflict in International Law", International Law Association, pp. 1-33. Available at: file:///C:/Users/User/Downloads/final_report.pdf
70. United Nations, General Assembly, Annotations on the Text of the Draft International Covenant on Human Rights, Document A/2929, 1 July 1955. At: <http://www.ohchr.org>
71. www.ohchr.org/en/professionalinfo (www.un.org/en/rightsrest/payes/international-law.aspx).